

اهلیت جنایی اشخاص حقوقی

ایرج گلدوزیان*

امین گلریز**

چکیده

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از جمله مسائل نوظهور در نظام‌های عدالت کیفری است. به‌رغم پذیرش این مهم در عموم کشورها برحسب مصالح و منافع گفته‌شده توسط حقوق‌دانان، ارکان و عناصر مسئولیت کیفری برای این دسته از اشخاص به درستی مورد تحلیل قرار نگرفته است. از آنجا که حقوق کیفری نمی‌تواند با همان شیوه و معیاری که مبنای مسئولیت کیفری برای اشخاص حقیقی را تعیین می‌کند، مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی را نیز بسنجد، درک صحیح از مبانی اهلیت جنایی اشخاص حقوقی از ضروریات است. تحلیل مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌تواند در شناسایی شیوه‌های تعیین کیفر، شناسایی هر چند بهتر متهمان، نحوه انتساب تقصیر به آنها و دیگر ارکان مسئولیت کیفری مؤثر باشد. در مقاله حاضر، بر اساس اهمیت موضوع، به تحلیل مهم‌ترین رکن مسئولیت کیفری یعنی اهلیت جنایی و عناصر تشکیل‌دهنده آن برای اشخاص حقوقی با رویکردی بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخته خواهد شد. بررسی مؤلفه‌های ضروری اهلیت جنایی، می‌تواند تحلیل صحیح و مناسب‌تری از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و درک مناسب‌تری از موضوع را ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها: اهلیت جنایی، اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری، اراده، آگاهی.

Goldozian@yahoo.com

Golriz.dr63@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۰۶

* استاد بازنشسته دانشکده حقوق دانشگاه تهران

** دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا از دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۲۶

ظهور و بروز پدیده صنعتی شدن در جوامع و در نتیجه تشکیل شرکت‌ها، تعاونی‌ها، مؤسسات خصوصی، دولتی و غیردولتی در جهت پیشبرد اهداف مشروع در پدیده مذکور، نظام‌های حقوقی را بر آن داشت تا در جهت نظارت، تعقیب، حمایت و در صورت ضرورت برخورد قضایی با متخلفان موضوع بحث، آثار حقوقی خاصی را بر آن مؤسسه‌ها تحمیل نمایند. در گام نخست و از نیمه دوم قرن بیستم،^۱ پدیده نوظهور با نام (اشخاص حقوقی)^۲ در مقابل (اشخاص حقیقی)^۳ نام‌گذاری گردید. رفته‌رفته نهاد حقوقی نوین در اغلب کشورهای جهان جایگاه خاصی را از آن خود نمود، تا جایی که عموم کشورهای جهان مقررات مدونی در رابطه با اشخاص حقوقی تنظیم نمودند. هر چند در بادی امر به علت مخالفت‌ها عموم موارد پیش‌بینی مسئولیت مدنی برای اشخاص حقوقی بود، اما براهینی چون واقعیت قضایی و علم جرم‌شناسی، دشواری کشف مقصر حقیقی، دقت هر چه بیشتر اعضا و سهام‌داران در انتخاب مدیران و کارکنان و دست آخر جبران زیان‌های وارد شده بر بزه‌دیدگان به نحو مطلوب، پیدایش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی را نیز ایجاب نمود.^۴ صرف‌نظر از ترسیم و ذکر مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تبیین و تحلیل نظرات موافقان و مخالفان موضوع بحث، آنچه اهمیت دارد این نکته است که نظر غالب و منطقی لزوم پذیرش مسئولیت کیفری در کنار مسئولیت مدنی برای اشخاص حقوقی است. با این پیش فرض، آنچه مهم است، کاوش بر سر تحلیل و توجیه ارکان مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است، زیرا در ادبیات جنایی امروز پذیرفته شده است که علاوه بر علم و معرفت به موضوع و حکم، تعلق اراده به تحقق عینی و خارجی اندیشه مخالف قانون (رفتار و تحقق نتیجه مجرمانه) نیز شرط تکوین قصد جنایی است. اما در اغلب نوشته‌های حقوقی موجود بر سر این چالش مهم به نحو مطلوب ایراد سخن نشده است که اهلیت جنایی به مفهوم مجموع عوامل روانی لازم برای امکان انتساب رفتار مجرمانه به فاعل جرم، در اشخاص حقوقی چگونه توجیه می‌گردد. اشخاص مزبور که موجوده‌هایی انتزاعی بوده و فاقد اعضا و جوارح، چگونه می‌توانند رکن مادی جرم را مرتکب شوند. اهمیت پرداختن به این موضوع از دو جهت شایان ذکر است؛ در جهت

۱. فرج‌اللهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۸، ص. ۵۲.

2. Corporation Persons

3. Natural Persons

۴. شریفی، محسن؛ و دیگران، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۷.

اول، تبیین این مهم تا حدی است که اگر با تحلیل و بررسی موضوع به این نتیجه برسیم که در اصل بر اساس تئوری سنتی، اهلیت جنایی به دلیل برخورداری از عقلانیت و استقلال، خاص اشخاص انسانی است،^۱ بنابراین دیگر نمی‌توان قائل به پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی شد. در جهت دوم، با توجه به تحولات تقنینی در نظام عدالت کیفری ایران از حیث تغییرات عمده قانون مجازات اسلامی در رابطه با پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و شرایط آن، تحلیل و تبیین این قسم از مسئولیت، لزوم پرداختن به موضوع را به طور واضح‌تری نمایان می‌سازد. این در حالی است که در نوشته‌های حقوقی موجود نیز، ماهیت اهلیت جنایی در اشخاص حقوقی به طور دقیق تحلیل نگردیده است.

بر این اساس، در مقاله پیش رو، ابتدا به تبیین اهلیت جنایی و بررسی ارکان آن به عنوان مهم‌ترین مؤلفه مسئولیت کیفری پرداخته می‌شود. با درک صحیح از این واژه، مشخص می‌گردد که آیا این مهم در رابطه با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی همانند مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی هم لازم و ضروری است؟ اگر پاسخ مثبت است، تحلیل اهلیت جنایت در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به چه نحو توجیه‌پذیر است. به تعبیر دیگر چالش بر سر این موضوع است که اهلیت جنایی به عنوان مؤلفه بنیادین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اصل، از چه جایگاه و خواستگاهی برخوردار است. تفاوت معیاری اهلیت جنایی در مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی در چیست؟ در این رابطه فرضیه‌ای ابتدایی که در قسمت‌های مختلف مقاله به دنبال اثبات آن خواهیم بود، این است که اهلیت جنایی همواره به عنوان یکی از ارکان ضروری مسئولیت کیفری چه در اشخاص حقیقی و چه در اشخاص حقوقی است، بنابراین بدون تحقق آن مسئولیت کیفری محقق نمی‌گردد؛ در این رابطه تحلیل بر سر چگونگی مفهوم اهلیت جنایی در مورد اشخاص حقوقی است. از آنجا که این مهم توسط قانون‌گذار ایران در رابطه با اشخاص حقوقی به درستی مورد تحلیل قرار نگرفته است، مقاله حاضر در قالب تحلیل مبانی نظری در پی جستجو و اثبات آن است. روش تحقیق هم کتابخانه‌ای خواهد بود. در این رابطه همان‌طور که پیش‌تر آمد، در جهت تحلیل موضوع، ابتدا می‌بایست اهلیت جنایی تبیین، جایگاه آن در رابطه با اشخاص حقوقی مشخص، سپس به بررسی این مورد پرداخته شود که ارکان و کارکردهای اهلیت جنایی شامل اراده - ادراک و آگاهی که خاص اشخاص حقیقی است، در رابطه با اشخاص حقوقی چگونه تحلیل شده و در اصل از چه جایگاهی برخوردار هستند. در بخش‌های بعدی مقاله به تحلیل هر یک از ارکان اهلیت جنایی شامل موارد بالا پرداخته خواهد شد.

1. Gardner, Thomas; Anderson, J., Terry, M., Criminal Law, New York, Wadsworth, 2009, p. 109.

۱. تبیین اهلیت جنایی اشخاص حقوقی

واژه «اهلیت»^۱ در فرهنگ‌های لغت اصولاً به معنای ظرفیت، استعداد، صلاحیت، شایستگی، سزاواری و لیاقت آمده است.^۲ در فرهنگ حقوقی "Black" برای واژه مذکور، این معنی بیان شده است: «وصف قانونی، صلاحیت، قدرت یا شایستگی؛ توانایی درک ماهیت و آثار رفتار ارتكابی؛ صلاحیت و توانایی یک شخص معین برای حضور در دادگاه».^۳ در عرصه حقوق کیفری، واژه اهلیت، در اصل متصف به وصف جنایی یا جزایی است؛ از این رو حقوق‌دانان معتقدند اهلیت جنایی مجموع صفاتی است که به منظور انتساب جرم به انسان، به عنوان مرتکب آن و مسئول دانستن او، قبل از تحمیل و تحمیل کیفر می‌باشد.^۴ از تعریف مزبور و تعاریف مشابه این چنین بر می‌آید که قاطبه حقوق‌دانان معتقد به این مهم هستند که مخاطب حکم کیفری و موضوع آن در صورت ارتکاب جرم، انسان زنده بالغ و عاقلی است که در عین حال واجد قوه تمییز و تشخیص و نیز اراده باشد. از گذار در تعاریف سنتی در باب اهلیت جنایی، واجد جسم و خون و روح بودن شخص، مؤلفه اساسی برای مسئولیت کیفری به شمار می‌رود.^۵ در اواسط قرن ۱۹ میلادی و با صنعتی شدن جوامع و با ظهور و بروز مؤسسات، شرکت‌ها، تعاونی‌ها و تشکل‌های دولتی و غیردولتی، نظام عدالت کیفری به این نتیجه دست یافت که در صورت عدم تعدیل مفهوم سنتی از اهلیت جنایی و رکن قرار دادن شخصیت انسانی در سر لوحه تعریف بالا، خود را در چالشی حل‌نشده قرار خواهد داد. بنابراین حقوق‌دانان بدون دگرگون ساختن مفاهیم بنیادین در عرصه اهلیت جنایی، با حذف محوریت شخصیت انسانی در تعریف از واژه مذکور، اهلیت جنایی را بر مجموع عوامل روانی استوار ساختند که امکان انتساب رفتار مجرمانه به فاعل جرم را فراهم سازد.^۶ بر پایه این تئوری و براساس خصیصه و شایستگی اشخاص حقوقی در بهره‌مندی و شایستگی از موجبات تمتع و عهده‌دار شدن تکالیف به صورت عارضی که قابلیت سلب و انفکاک را دارند،^۷

1. Capacity

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص. ۱۵۵.

3. Black, Henry Campbell; Black's Law Dictionary, U.S.A, West Publishing CO., 2005, p. 107.

۴. موسوی مجاب، سید درید، نقش اراده در مسئولیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۸.

۵. روح‌الامینی، محمود، «دگرگونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه»، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۰.

۶. کمال‌الدین، امام محمد، المسؤولية الجنائية: أساسها و تطورها، الطبعة الثانية، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، بیروت، ۱۹۹۱ م، ص. ۸۴.

۷. صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ اول، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۰، ص. ۹۹.

تصور اهلیت جنایی برای اشخاص حقوقی ممکن خواهد بود. در توضیح بیشتر مسأله باید اذعان داشت، همان طور که از مفهوم اهلیت، تمتع و بهره‌مندی اشخاص از حقوق خود و امکان الزام آنان به اجرای تکالیف قانونی استنتاج می‌شود، اشخاص حقوقی در این زمینه از حیث بهره‌مندی از حقوق و تکالیفی که قانون برای اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته است، همگون و برابر هستند، مگر در حقوق و تکالیفی که با طبیعت انسان ملازمه دارد؛ همانند ابوت، زوجیت و همانند آنها. اشخاص حقوقی از این حیث که در برابر اشخاص دیگر (اعم از حقیقی و حقوقی) می‌توانند طرف تعهد واقع شوند، واجد اهلیت شمرده می‌شوند. آنها مسئول دیون و تعهدات خود بوده و بستانکاران می‌توانند حقوق خود را از هر نوع از اموال و دارایی‌های آنها استیفا و در مراجع قضایی درخواست توقیف اموال آنها یا تأمین مطالبات خود را نمایند. بنابراین ملاحظه می‌گردد اشخاص حقوقی واجد خصیصه اهلیت هستند. اما در مفهوم مرکب متصل به واژه اهلیت یعنی واژه «جنایی»^۱ که سبب می‌گردد مفهوم اهلیت با آنچه پیش‌تر بیان شد کمی تهافت پیدا کرده و به مفهوم پیدایش یک حالت خاص یا وضعیت معین در شخصی که امکان انتساب رفتار مجرمانه به فاعل را فراهم سازد، تغییر معنا پیدا کند.^۲ این مفهوم همان طور که آمد بر این پایه قابل تسری به اشخاص حقوقی هم خواهد بود؛ در این راستا برخی ضمن مخالفت با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و با این استدلال که لزومی به پذیرش اهلیت جنایی مستقل برای اشخاص حقوقی نیست، زیرا در همه حال جرم توسط اشخاص حقیقی نماینده شخص حقوقی به انجام می‌رسد و احراز اهلیت جنایی شخص حقیقی در همه حال کافی به مقصود است، متعرض پذیرش اهلیت جنایی مستقل برای اشخاص حقوقی شده‌اند.^۳ اما در مقام پاسخ به این ایراد، گروهی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند که عدم پذیرش اهلیت جنایی مستقل برای اشخاص حقوقی در همه حال لازم است، زیرا همان اهلیتی که سبب عهده‌دار شدن حق و تکلیف برای اشخاص حقوقی می‌باشد، لزوم پاسخگویی به رفتارهای مجرمانه اشخاص حقوقی در قالب برخوردهای حقوق کیفری را هم ایجاب می‌نماید.^۴ همچنین موافقان ضمن تعرض به مخالفان اهلیت جنایی در اشخاص حقوقی می‌گویند: «چگونه اشخاص حقوقی در زمینه قرارداد و تعهدات، اهلیت انجام معامله و مسئولیت ناشی از آن را دارند، اما در حوزه ارتکاب جرم چنین اهلیتی مورد انکار واقع می‌شود؟ مگر نه این است

1. Criminal

۲. میرسعیدی، سیدمنصور، مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان، جلد اول، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۹۰، ص. ۶۲.
۳. عوض، عوض محمد، قانون العقوبات (القسم العام)، النشر الثاني، اسکندریه، دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۳ م، ص. ۴۱۰.
۴. همان، ص. ۴۱۶.

که از جمله شرایط صحت هر قرارداد، قصد و اراده است، بنابراین اگر این اشخاص را برای این امور دارای شعور و صاحب اراده دانستیم، نه تنها مسئولیت مدنی بلکه مسئولیت کیفری آنها نیز پذیرفتنی خواهد بود. بنابراین هر دو مسئولیت مورد بحث، بر پایه قصد و اراده استوار هستند...^۱ بر این اساس، اهلیت جنایی به عنوان مقدمه مسئولیت کیفری^۲ که بخشی از رکن روانی هم از حیث تحقق اراده را شکل می‌دهد،^۳ در اشخاص حقوقی بر اساس آنچه بیان شد، محقق می‌گردد.

پر واضح است بر اساس آنچه گفته شد، مسئولیت مدنی محض نمی‌تواند به دلیل نداشتن بازدارندگی کافی از آن حیث که حاوی این پیام است که جرایم همچون کالا قابل خریداری‌اند و اشخاص حقوقی به لحاظ داشتن تمول مالی قادر به خرید آن می‌باشند.^۴ تعلل در روند رسیدگی و ارباب نشدن کامل دیگر اشخاص حقوقی و مدیران مربوط در مقابل مسئولیت کیفری به عنوان یک مجازات که سبب تقبیح رفتار مجرمانه و ایجاد لکه ننگ شده و مانع از این تصور می‌شود که جرایم همچون کالا قابل خریداری‌اند. پاسخگویی کامل برای جبران خسارت‌های ایجاد شده و در گاهی از موارد رفتارهای مجرمانه اشخاص حقوقی باشد. در کنار این علل باید قابل تأمین نبودن محکومیت‌های مدنی در تمام موارد را هم اشاره نمود. به علاوه آنکه آثار و تبعات ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی تنها متوجه متضرر نیست که مسئولیت مدنی صرف همواره راهگشا باشد. بلکه با ورود لطمه به نظم و امنیت جامعه و اکانش اجتماعی در قالب ایجاد مسئولیت کیفری هم لازم است. بنابراین مسأله کاوش باید بر سر تحلیل ارکان اهلیت جنایی صورت پذیرد که بررسی گردد حال که مصلحت و ضروریات عهده‌دار شدن حقوق و تکالیف و متعاقب آن پاسخ به رفتارهای مجرمانه اشخاص حقوقی تحقق مسئولیت کیفری آنها را ضروری می‌داند، این ارکان در تبلور اهلیت جنایی از چه کارکردهایی برخوردار و بر چه پایه و اساسی تحلیل می‌شوند.

۱-۱. تبیین اراده^۵ در اهلیت جنایی اشخاص حقوقی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، تصور اهلیت جنایی برای اشخاص حقوقی بر این اساس که آنها می‌توانند دارای حق و انجام تکلیف باشند و همین مهم انتساب

1. Gardner, Thomas; Anderson, J., Terry, M., Op. cit., p. 204.

۲. عوض، عوض محمد، منبع پیشین، ص. ۱۲۲.

۳. موسوی مجاب، سید درید، منبع پیشین، ص. ۱۱۲.

۴. رولان، نوربر، «انتقام‌جویی و تحول آن از دیدگاه انسان‌شناسی حقوقی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی،

فصل‌نامه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۱.

5. Will

رفتارهای برخلاف قانون نسبت به این دسته از اشخاص را لازم و منطقی می‌پندارد و با حذف واژه «انسان» در مفهوم نوین ادبیات جنایی در حوزه اهلیت، مفهوم اهلیت جنایی برای اشخاص حقوقی ممکن خواهد بود، وارد حوزه مهم‌تر یعنی تحلیل ارکان اهلیت جنایی و کارکردهای آن در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌شویم، اهلیت جنایی بر مبنای دو رکن اساسی اراده و علم (آگاهی) استوار است و هر یک از این دو رکن دارای مؤلفه‌ها، آثار و مراتب خاص است. بنابراین، به طور مستقل، به بیان مباحثی در این زمینه خواهیم پرداخت. در جهت تبیین بهتر مسأله لازم است ابتدا به تعریف واژه «اراده» بپردازیم؛ اراده واژه عربی از ریشه «رَوَدَ» است. این واژه مصدر ثلاثی مزید و متعدی از باب افعال بوده که پس از اعلان قلب به دلیل أجوف واوی بودن - به این صورت در آمده است. واژه اراده در لغت به معنای خواست، میل، رغبت، عزم و تصمیم آمده است.^۱ همچنین اراده در مفهوم اصطلاحی عبارت از نوعی عمل نفسانی توأم با شعور است که به طور مستقیم منشأ بروز یک رفتار می‌شود.^۲ ریشه اختلاف میان موافقان و مخالفین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از همین مؤلفه آغازین اهلیت جنایی یعنی (اراده) شروع می‌شود، مخالفین معتقدند - هر چند تحلیل اهلیت اشخاص حقوقی برحسب تصور آنچه دارا شدن حق و تکلیف نامیده می‌شود توجیه منطقی دارد، ولی لازمه نفسانی بودن اراده در گروه فهم و جزم اندام و جوارح انسانی است، اراده قوه‌ای نفسانی است که از انگیزه بر می‌خیزد و به عمل می‌گراید و این مهم تنها از خصایص انسان است.^۳ بنا بر این، تعریف سنتی از مفهوم اراده است که مخالفان، وجود اراده و ادراک که خاص موجودات انسانی است را در اشخاص حقوقی زائل و در این راستا برای آنها اهلیت جنایی قائل نیستند. با بررسی در تعریف واژه اراده و تحلیل این مهم، یک نکته اساسی بدست می‌آید اینکه مخالفین هر چند در درک تعریف ارائه شده از واژه مذکور دچار خبط نشده‌اند، اما از این نکته غفلت ورزیده‌اند که تعریف مذکور ماهیتی فلسفی داشته و در حوزه حقوق کیفری از این حیث که محوریت مطلق را شعور انسان قرار داده است، مداخلت ندارد. هر چند پر واضح است کیفیات نفسانی خاص افعال مکلفان است و حیوانات و جمادات از این خصیصه بی‌بهره‌اند، اما در عرصه حقوق کیفری، اراده به فعل و انفعال ذهنی مرتکب اطلاق می‌گردد که با واسطه هم می‌تواند محقق شود.^۴ غفلت ورزیدن از این مفهوم مهم و طبع فردمدارانه حقوق کیفری سنتی سبب گردید حتی موافقان به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

1. Ba'albaki, Munir; Ba'albaki, Rohi, «AL-Mawrid Dictionary, Lebanon, Dar E-1-Ilm, Lilmalayix, 1999, p. 98.

۲. ثروت، جلال، نظریه الجرمه المتعدیه القصد، النشر الثالث، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۵ م، ص. ۶۰.

۳. کندی، یعقوب، رسائل، جلد ۱، النشر الاول، مؤسسه البلاغ، قاهره، ۱۳۶۹ ق، ص. ۱۷۵.

۴. عبداللهی، اسماعیل، درس‌هایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۰.

نظریه نیابتی بودن^۱ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را ایراد نمایند. به موجب این نظریه انتساب عناصر روانی و مادی جرم به شخص حقوقی، عاریه‌ای بوده و شخص حقوقی عناصر دوگانه مذکور را از اعضا و کارکنان خود که همانا اشخاص انسانی هستند وام می‌گیرد.^۲ اما واقع مطلب آن است که در عرصه حقوق کیفری بر اساس آنچه پیش‌تر از مفهوم اراده یعنی بهره‌مندی از عملکرد صحیح در نیروی تعقل و برخاستن رفتار جزایی از قوه تشخیص و تمییز، بیان شد، نمی‌تواند بر حسب مسئولیت نیابتی توجیه گردد. هر چند صحیح است که تعلق اراده تنها خاص انسان مکلف است، اما همان‌طور که آمد این تعلق می‌تواند مستقیم یا با واسطه اعمال گردد، مفهوم اراده در اهلیت جنایی اشخاص حقوقی بدان معنا نیست که چون انتساب ارکان مادی و روانی جرم از شخص حقیقی گرفته شده است، بنابراین هرگاه اشخاص حقیقی مجری اعمال اشخاص حقوقی در اثنای انجام وظیفه یا به سبب آن مرتکب جرم شدند شخص حقوقی از نظر کیفری مسئول باشد، زیرا پیامد ناگوار این نظریه گسترش نامعقول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را بدنبال دارد، همچنین اگر هر یک از اعضای آن، جرمی را که در راستای انجام وظیفه - هر چند خودسرانه و بدون مجوز - مرتکب شوند، شخص حقوقی را مسئول می‌سازد.^۳ از این رو باید معتقد بود که هر چند اراده شخص حقوقی تنها با اراده شخص حقیقی به حرکت می‌افتد ولی شخص حقوقی خود دارای اراده مشترک خاصی است که مستقل از اراده اشخاص حقیقی که به عنوان شریک یا مسئول آن را به وجود آورده و اداره می‌کنند، می‌باشد. پس زمانی که یک شخص حقوقی تصمیمی می‌گیرد که جنبه جزایی دارد، در حقیقت قصد مجرمانه و اراده انحرافی خود را ابراز کرده و این امر به طور کامل اعتباری و امکان‌پذیر است.^۴ از طرفی، نمی‌توان مدیران را به طور مطلق مرکز عصبی و فرمان شخص حقوقی دانست و احراز ارکان جرم در وی را به شخص حقوقی هم نسبت داد، زیرا در خصوص شرکت‌ها و اشخاص حقوقی بزرگ و غیر متمرکز، این تئوری با چالش‌های زیادی مواجه خواهد شد. چرا که در ساختار این گونه اشخاص حقوقی، مدیران یا هیأت مدیره اغلب برخی از وظایف خود را به بخش‌ها و واحدهای دیگر تفویض می‌نمایند. در نتیجه و در عمل، بسیاری از تصمیمات و اقدامات مهم توسط مدیران میانی و متوسط صورت می‌پذیرد که در صورت مجرمانه بودن، با توجه به تضییق این دکترین، مسئولیتی متوجه شخص حقوقی

1. Vicarious Liability

۲. حسنی، محمود نجیب، النظریه العامه للقصود الجنایی، النشر الرابع، القاهره، دارالنهضه العربیه، ۱۹۷۴ م، ص. ۵۶۰.

۳. حسین جانی، بهمن؛ مظاهری تهرانی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۸۹، صص. ۱۱۱-۱۱۰.

۴. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، ص. ۵۹۹.

نخواهد نمود.^۱ از سوی دیگر رابطه مستقیم افراد انسانی مجری اعمال شخص حقوقی، هیچ‌گاه نمی‌تواند دلیل اصلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی باشد. بنابراین نمی‌توان گفت اگر اعمال شخص حقوقی توسط اشخاص حقیقی میانی و متوسط صورت گیرد، مسئولیتی متوجه شخص حقوقی نیست. آنچه اهمیت دارد اجرای اعمال شخص حقوقی توسط افراد انسانی دارای مجوز است، نه مستقیم یا میانی بودن مدیران. بنابراین باید پذیرفت: اراده مستقل اشخاص حقوقی گاه از رهگذر خط و مشی‌ها و سیاست‌های آن به منصف ظهور می‌رسد که در این چارچوب، افراد تا حد زیادی، فردیت خود را از کف داده و مجذوب سیستم و فرهنگ حاکم بر شخص حقوقی می‌شوند. فرهنگ در شخص حقوقی به منزله شخصیت در انسان است و بر پایه آن، می‌توان به درک واقع بینانه‌ای از اهلیت جنایی دست یافت. برای مثال اگر بر حسب مصوبه هیأت مدیره یک شرکت خدماتی قسمتی از معبر عمومی به جهت انجام پروژه سیم‌کشی حفر شده و بدون قرار دادن علائم هشداردهنده در شب و قصور در این زمینه شخص عابری در چاله افتاده و آسیب ببیند، شخص حقوقی از حیث عدم رعایت موازین فنی مسئولیت کیفری خواهد داشت. در اینجا آنچه سبب پیدایش اهلیت جنایی در بادی امر می‌گردد، اراده جمعی و مستقل از اراده شخصی اشخاص حقیقی بوده که سبب پیدایش مسئولیت کیفری آنها گردیده است. با این بیان، رویکرد اخیر، مترصد تبیین این مهم است که گاه، نه تصمیم یک فرد، که نگرش سیاست، قواعد، شیوه و در یک کلام فرهنگ شخص حقوقی نقض قانون را هدایت نموده و به آن دامن می‌زند؛ فرهنگی که احراز آن با رجوع به اساسنامه، صورت جلسات، مشروح مذاکرات، مکاتبات و قواعد رسمی شخص حقوقی میسور خواهد بود.^۲ به علاوه، اصل بر استقلال شخصیت حقوقی و ارکان آن است، یعنی باید پنداشت اشخاص حقوقی شخصیتی مستقل از شخصیت شرکا دارند و لازمه پذیرش این اصل آنست که بپذیریم اشخاص حقوقی در هر حال استقلال شخصیتی از هر لحاظ دارند.^۳ بنابراین اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی دارای اراده هستند، با این تفاوت که اراده جمعی در آنها جایگزین اراده فردی در آنها می‌شود. در نظام عدالت کیفری ایران که تا قبل از قانون مجازات جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۱ بهمن ۱۳۸۸) مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی به طور پراکنده در مقررات پیش‌بینی^۴ اما به نحو رسمی در قانون مجازات شناسایی نشده بود، تا اینکه به موجب قانون مجازات

۱. حسنی، محمدحسن، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، ص. ۷۹.

۲. شریفی، محسن؛ و دیگران، منبع پیشین، ص. ۱۳۱.

۳. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۱، چاپ بیست و یکم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۳.

۴. برای مثال ر.ک. به ماده ۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی، ماده ۱۰۹ از قانون تأمین اجتماعی، ماده ۷۶ از قانون نظام صنفی.

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در ماده ۱۴۳ از آن قانون، به نحو اجمال و آن هم در باب شرایط مسئولیت کیفری، قانون گذار ضمن اصل قراردادان مسئولیت شخص حقیقی، شخص حقوقی را با دو پیش فرض واجد مسئولیت کیفری شناخت. اول آنکه نماینده قانونی شخص حقوقی مرتکب جرم شده باشد و دوم آنکه جرم به نام یا در راستای منافع آن محقق گردیده باشد، بر همین اساس برخی معتقد به این نظر هستند که چون قانون گذار در مسئولیت کیفری اصل را بر مسئولیت شخص حقیقی قرار داده است، بنابراین می توان گفت با وقوع بزه، شخص حقوقی مجرمیت خود را از شخص حقیقی کسب می کند.^۱ این دسته در واقع معتقدند مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی مسئولیتی کمانه ای یا عاریتی است. اما همان طور که پیش تر آمد، این نظریه با روح قانون و تعدیل نظریه مسئولیت کیفری نیابتی نمی تواند کارآمد باشد. اصل قرار دادن مسئولیت کیفری شخص حقیقی از بایسته های حقوق کیفری است، زیرا قانون گذار این فرضیه را مفروض دانسته که اهداف مؤسسات و شرکتهای حقوقی، مشروع و در جهت کارآمد ایجاد گردیده اند، بنابراین تا یک عامل حقیقی مانع آن نگردد جرمی هم بوقوع نمی پیوندد، این نظریه که یک اصل مورد قبول در عموم نظام های عدالت کیفری است،^۲ به منزله عاریتی بودن مسئولیت اشخاص حقوقی نمی باشد. این مهم از دنباله ماده ۱۴۳ نیز قابل فهم است، زیرا در انتهای ماده قانون گذار میان مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی به نحوی تهاافت قائل شده و این به منزله عدم تلازم میان مسئولیت کیفری شخص حقیقی و حقوقی است. بر همین اساس ممکن است در مواردی شخص حقوقی مسئولیت کیفری داشته باشد، بدون پیوست به مسئولیت کیفری شخص حقیقی. برای مثال می توان به موردی اشاره کرد که نهاد شهرداری به موجب حفر گودال بدون قرار دادن علائم هشدار دهنده سبب سقوط عابر و مصدوم گشتن وی در شب شده باشد. در این مورد شخص حقوقی که جرم در راستای وظایف ذاتی وی انجام شده مسئولیت کیفری از حیث پرداخت دیه را بر عهده خواهد داشت. البته این امر مشروط بر آن است که قصوری متوجه شخص حقیقی نبوده باشد. زیرا در این گونه موارد جرم بر حسب تصمیمات و سیاست های شخص حقوقی به وقوع پیوسته است. این موارد در نظام های حقوقی انگلستان، اسکاتلند و استرالیا به درستی مورد تحلیل قرار گرفته اند.^۳ بنابراین شخص حقیقی در این مورد به همراه شخص حقوقی مسئولیت کیفری نخواهد داشت. همچنین در مواردی که شخص حقیقی به عمد و بدون در نظر گرفتن منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود،

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی و هشتم، نشر میزان، ۱۳۹۴، ص. ۶۶.

۲. فرج اللهی، رضا، منبع پیشین، ص. ۴۸.

۳. همان، ص. ۵۴.

مسئولیت کیفری تنها متوجه شخص حقیقی است نه شخص حقوقی. از همین رو قانون گذار اجتماع میان مسئولیت کیفری این دو شخص را تکلیفی ندانسته است. این در حالی است که اگر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی کمانه‌ای یا عاریتی باشد، باید در هر مورد اشخاص حقیقی و حقوقی به اجتماع مسئولیت کیفری داشته باشند، یعنی نمی‌توان فرضی را تصور نمود که شخص حقوقی مسئولیت کیفری داشته باشد ولی شخص حقیقی مسئولیت کیفری نداشته باشد. ولی همان طور که در مثال پیشین آمد، این فرض در همه موارد قابل پذیرش نیست. از این رو در تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰ از قانون مجازات اسلامی، قانون گذار مجازات استقلالی برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است، که این امر می‌تواند حاکی از پذیرش قانون گذار از نظریه مسئولیت کیفری استقلالی بر پایه اراده جمعی در اشخاص حقوقی باشد. لازم به ذکر است قانون گذار در تبصره ماده ۱۴ از قانون مجازات اسلامی، از حیث چگونگی انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی از قاعده موجود در ماده ۱۴۳ تبعیت نموده است. زیرا تبصره ماده ۱۴ در مقام احراز رابطه علیت میان رفتار شخص حقوقی که می‌تواند ناشی از رفتار نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن با خسارت وارد شده باشد. ممکن است جایگاه نامناسب این تبصره شائبه ایجاد مدلی جدید از مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی را در ذهن ایجاد نماید، در حالی که باید پذیرفت این شرط در کنار سایر شروط ماده ۱۴۳ قرار می‌گیرد. زیرا همواره احراز رابطه علیت در کنار سایر ارکان مسئولیت کیفری، از بایسته‌های حقوق کیفری است.^۱

تا پیش از تصویب این قانون رویه قضایی ایران معتقد بود که چون اشخاص حقوقی دارای شعور نبوده و فاقد اراده مستقل از اشخاص حقیقی متصدی آنها می‌باشد، انتساب جرم به اشخاص حقوقی غیرممکن بوده و نمی‌توان مسئولیت کیفری را متوجه آنها دانست.^۲ هر چند قانون گذار در قوانین مختلف اقدام به وضع مجازات‌های خاص برای اشخاص حقوقی نموده بود، اما عدم تبیین بایسته‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در آن قوانین و طبع فردمدارانه نظام عدالت کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات جرایم رایانه‌ای در بعد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک قاعده شده بود.^۳ هر چند تبیین مناسب تر ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی توسط قانون گذار به علت تولد این

۱. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، ص. ۷۲.

۲. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، مجموع نشست‌های قضایی، مسائل قانون مجازات اسلامی، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲، صص. ۱۶۴-۱۶۶. همچنین نظریه ۶/۴۵۳۷ مورخ ۱۳۸۴/۲/۳ اداره حقوقی.

۳. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، ص. ۵۸.

نهاد نوظهور امری لازم و ضروری است، اما شتابزدگی قانون‌گذار و تعجیل در به رسمیت شناختن این مهم بدون تبیین بایسته‌ها، ریشه چنین اختلاف نظرهایی را می‌پروراند. همچنین وجود اراده مستقل در اشخاص حقوقی همچنین سبب می‌شود ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقیقی در هر حال سبب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نگردد. قانون‌گذار با پیش‌فرض قرار دادن این نکته که جرم باید به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی باشد، بر این نکته تأکید نموده که اراده جمعی در واگذاری مسئولیت به نماینده یا نمایندگان قانونی خود، نشأت گرفته از یک اراده جمعی است که هدف شخص حقوقی بوده است.

بنابراین اقدامات خودسرانه اشخاص حقیقی، رفتارهای شریانه و برخلاف اهداف مشروع شخص حقوقی توسط مدیران و مانند این موارد، بر خلاف تئوری مسئولیت نیابتی، مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی به بار نخواهد آورد. در جهت تحلیل بهتر موضوع، لازم است به تحلیل مؤلفه‌های اساسی اراده در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته شود.

اراده نیرویی است که با جمع مؤلفه‌های ضروری، شخص را (اعم از حقیقی و حقوقی) بر انجام رفتار یا بیان گفتاری توانا می‌سازد؛ این نیرو در اشخاص حقیقی در غالب اندیشه معینی است که در نتیجه عملکرد ذهنی آگاه و همراه با عناصر و ویژگی‌های بایسته مربوط تحقق پذیرفته و در اشخاص حقوقی هم حاصل تفکر جمعی است که به شخص واحد یا اشخاص معین در غالب رئیس یا نماینده قانونی و یا هیأت مدیره تفویض می‌گردد. حقوق دانان با تحلیل روانی اراده، مراحل چهارگانه‌ای را در فرآیند تکوین عمل ارادی نام می‌برند.^۱ ادراک، سنجش، خواست درونی و تنفیذ (مرحله اجرای تصمیم). در ادامه به تحلیل مهم‌ترین مؤلفه یعنی «ادراک»^۲ می‌پردازیم: ادراک مصدر باب افعال و در فارسی به معنای دریافتن آمده است.^۳ چنانچه کسی که چیزی را ببیند و اطراف آن را مشاهده کند، در حقیقت آن چیز را درک کرده است.

ابن سینا «اخذ و حصول صورت مُدرک نزد مُدرک» را ادراک نامیده است.^۴ از منظر علم حقوق، مرحله ادراک یا تصور، نخستین گام در اتخاذ تصمیم و سنگ زیرین بنای رفتار ارادی است. در حقیقت، ارتکاب هیچ رفتار ارادی، پیش از تصور موضوع آن

۱. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، چاپ سوم، نشر نی، ۱۳۸۳، صص. ۵۲-۵۳.

2. Conception

۳. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی، کلامی، منطقی، چاپ اول، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۱، ذیل واژه ادراک.

۴. جهامی، جیرار، موسوعه مصطلحات ابن سینا (شیخ الرئيس)، الطبعة الأولى، لبنان، مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۴ م، ص. ۱۲۲.

ممکن نیست. به همین دلیل نیز از منظر قانونی، رفتار ناخواسته یا ارتكابی از سوی شخص فاقد درک و شعور، ارادی تلقی نمی‌شود.^۱ ادراک که گاه از آن به قوه تمییز نیز تعبیر می‌شود، به توانایی خاصی در شخص اطلاق می‌گردد که تشخیص ماهیت رفتار ارتكابی^۲ و تبعات جزایی و آثار اجتماعی آن را برای وی ممکن می‌سازد.^۳ در واقع ادراک شخص را قادر می‌سازد که نسبت به اشیاء و امور علم حاصل کند و آنها را بشناسد. این عنصر شخص را در خصوص احاطه به امور و وقایع و نیز فهم ماهیت‌های حسی، شناخت معانی و مفهوم‌های ذهنی قادر می‌سازد؛ به گونه‌ای که می‌تواند میان آنها تمییز و تشخیص داده و نسبت به پیامدها و نتایج آنها واقف گردد. این مفهوم در رابطه با اشخاص حقیقی با بلوغ جسمی و رشد عقلی حسب تحدید قانونی شکل می‌یابد. به این ترتیب، شخصی که قادر به تشخیص ماهیت رفتار ارتكابی خود همچون قتل یا سرقت و نتایج طبیعی آن، مثلاً از هاق روح انسان یا استیلا بر مال غیر، و نیز تبعات اجتماعی مترتب بر آن به اعتبار ممنوعیت قانونی باشد، از منظر حقوق کیفری واجد ادراک تلقی می‌گردد.^۴ (ادراک) در رابطه با اشخاص حقوقی و به موجبات تألیفات حقوق کیفری، به درستی مورد تحلیل قرار نگرفته است، شاید علت را بتوان غامض بودن بحث و نوین بودن آن دانست. با این حال این مهم را می‌توان این گونه تحلیل نمود که قوه تمییز و تشخیص که از آن به ادراک یاد می‌شود، در اشخاص حقوقی شرایط عام تکلیف نیست، بلکه مراتب به مفهوم حرکت در مسیر صحیح و منافع شخص حقوقی است، لذا خروج از اهداف مشروع در تأسیس شخص حقوقی را می‌توان به منزله خروج شخص حقوقی از ادراک معتبری دانست که قانون‌گذار به شخص حقوقی اعطا نموده است. بنابراین بر اساس همین امر است که در لایحه قانونی ۱۳۴۷ قانون تجارت در بند ۱ ماده ۱۹۹، این امر از موجبات انحلال شخص حقوقی دانسته^۵ شده و قانون‌گذار فرض را بر این قرار داده که اشخاص حقوقی اگر به عمد یا در اثر قصور از اهداف مشروع خود تغییر جهت دهند و به سمت و سوی اهداف نامشروع حرکت نمایند، قوه تمییز در اداره امور خود را از دست می‌دهند. در جهت تحلیل بهتر موضوع می‌توان قیاسی میان اشخاص حقیقی و حقوقی در این جهت ارائه نمود؛ قانون‌گذار ادراک را تحت شرایطی به اشخاص حقیقی و حقوقی اعطا می‌نماید که با احراز خلاف این شرایط، ادراک یا همان قوه تمییز یا تشخیص از اشخاص مذکور،

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۶ چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶، ص. ۲۱۳.

2. The nature of act

۳. الزلمی، مصطفی ابراهیم، المسؤولية الجنائية فی الشريعة الاسلاميه، النشر الاول، بغداد، مطبعة الأسد، ۱۹۸۱م، ص. ۶۱.

4. Johnson, Conrad, Philosophy of Law, New York, McMillan Publishing Company, 2009, p. 680.

۵. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۳.

سلب می‌گردد. برای مثال قانون‌گذار این طور فرض نموده که شخص بعد از سن ۹ سال دارای ادراک می‌گردد، مگر آنکه وی دچار عارضه جنون یا بیماری‌های روانی گردد. یا آنکه برحسب دلایل پزشکی ادامه عدم وجود قوه تمییز در شخص محرز گردد. در اشخاص حقوقی نیز قانون‌گذار قبل از اعطا اهلیت تشکیل، شرایط قانونی را بررسی می‌کند که اگر شخص حقوقی آن شرایط را داشته باشد، قانون‌گذار وی را دارای صلاحیت دانسته و با اذن در تشکیل شخص حقوقی در غالب مؤسسات، شرکت‌ها و سایر تشکیلات موجود، اهلیتی را در شکل تشکیل شخص حقوقی به آنها بر پایه اینکه توانایی تشخیص و حرکت در مسیر از پیش تعیین‌شده و مفید خود را دارند، اعطا می‌نماید. حال اگر شرکت یا شخص حقوقی در هر غالب از مسیر تعریف شده خود در جهت خلاف حرکت کند یا اینکه اساساً و از بطن و متن متقابلانه تشکیل شده باشد و قانون‌گذار هم بعداً متوجه این موضوع گردد، فرض موجود مبنی بر قدرک ادراک و تمییز در هدف ارائه‌شده را از اشخاص مذکور پس گرفته و به نحوی این مزیت از پیش اعطا شده را از آنها سلب و دیگر موجودیتی برای آنها قائل نیست. بنابراین توضیحات، ادراک، در اشخاص حقیقی به منزله قوه تمییز و تشخیص در ماهیت رفتار ارتكابی است،^۱ و در اشخاص حقوقی حرکت در مسیر منافع و اهداف مشروع است که شخص حقوقی در جهت آن اهداف تشکیل شده است. بر این پایه، قانون‌گذار در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی هیچ‌گاه اجازه مجازات شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند را نداده است. زیرا فرض را بر آن قرار داده که ادراک از مؤسسات مذکور به لحاظ گستره انجام وظیفه و حرکت در مسیر از پیش تعیین‌شده بر اساس نظارت‌های حاکمیتی سلب نخواهد شد. به علاوه اصل اقتدار در امور اعمال حاکمیت اقتضا دارد فعالیت‌های مربوط در این زمینه متوقف نشده و با انحلال اشخاص حقوقی غیردولتی، فعالیت‌های مملکتی مختل نگردد.^۲ همچنین با بررسی مفهوم مخالف این تبصره این گونه برداشت می‌شود که مجازات اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت نمی‌کنند، به لحاظ خروج موضوعی از نظارت‌های حاکمیتی بر این دسته از اشخاص و امکان اثبات خلاف فرضیه مذکور، ممکن خواهد بود. زیرا در مقابل اعمال تصدی، وجه دیگر - فعالیت مؤسسات و بنگاه‌های دولتی به شمار می‌رود. در اینجا، نهادها وظیفه تصدی اداره و بهره‌بردار از اموال جامعه را بر عهده دارند و مانند اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی عمل می‌کنند.^۳ هر چند تبصره ماده ۲۰ دارای فلسفه‌های تقنینی دیگری می‌باشد. از جمله آنکه؛ مؤسسات دولتی - عمومی، یا اشخاص حقوقی متکفل اعمال تصدی حاکمیتی وظیفه تأمین منافع جمعی و آسایش

1. Wells, Celia, Corporation and Criminal Liability, Oxford University, 2001, p. 95.

2. Johnson, Conrad, op. cit., p. 87.

۳. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، ص. ۶۴.

جامعه و نیز تعقیب مجازات بزهکاران را داشته و بر این اساس نهادهای قدرت نمی‌توانند خود را مجازات کنند، یا اینکه کیفر دولت اساساً عبث و بی‌مفهوم است، زیرا اگر این مجازات جریمه باشد، در عمل مبلغی از خزانه عمومی کسر گردیده و مجدد به آن واریز می‌شود که این اقدام بیهوده، معنایی جز جیب به جیب کردن پول دولت ندارد.^۱ یا اینکه، مجازات دولت موجب اختلال در خدمات‌رسانی به آحاد جامعه و باعث افزایش بار مالیات‌دهندگان خواهد شد. ولی با ملاحظه تمامی دلایل ایرادشده در مقام رد فرضیه مجازات اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در موارد اعمال حاکمیت - یک نکته مشترک بدست می‌آید و آن این است که قانون‌گذار فرض خروج شرکت‌های مذکور از مسیر تعیین‌شده که مبتنی بر ادراک آنها در انجام خدمات عمومی است که در موارد اعمال حاکمیت را نپذیرفته است.^۲ لذا گفته می‌شود اشخاص حقوقی حقوق عمومی، به ویژه دولت و نهادهای دولتی که متکفل اعمال حاکمیت هستند، از قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خارج هستند.^۳ بنابراین باید پذیرفت که ذهن و روان و ادراک سازمان‌ها و اشخاص حقوقی با ذهن و قوه عاقله و تمییز (ادراک) اشخاص حقیقی کاملاً متفاوت است.^۴ حقوق کیفری نمی‌تواند با همان معیاری که مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی را می‌سنجد، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را هم توجیه نماید، همچنین بی‌تفاوتی در تحلیل ارکان اهلیت جنایی، ثمره‌ای جز تزلزل در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نخواهد داشت. این مهم با توجه به الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۷، اهمیت دو چندان خود را بیش‌تر نمایان می‌سازد، زیرا به موجب ماده ۲۶ از قانون مذکور، هر کشور عضو مکلف گردیده است طبق اصول حقوقی خود اقدامات لازم در جهت تبیین مسئولیت اشخاص حقوقی را به انجام رساند. به علاوه اشخاص حقوقی به لحاظ در دست داشتن وسایل و منابع مفید در مقام مقایسه با اشخاص حقیقی به مراتب برای جامعه ایجاد خطر بیشتری می‌نمایند. این مهم ایجاب می‌کند که مسئولیت آنان بر پایه معیاری متمایز و در عین حال موسع‌تر از معیار تبیین ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی بنیان گذاشته شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران نیز بر همین پایه در ماده ۲۰ خود مصونیتی خاص برای اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در موارد اعمال حاکمیت از حیث اعمال مجازات را در نظر گرفته است. همچنین به موجب نظریه‌ای که پیش‌تر بیان گردید، صدور

۱. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنارد، حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه علامه

طباطبایی، ۱۳۸۳، ص. ۴۰۳.

۲. آقایی جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، ص. ۲۰.

۳. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، ص. ۶۴.

4. Wells, Celia, op. cit. , p. 94.

حکم انحلال شخص حقوقی نیز زمانی است که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم بوجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین که سبب تشکیل آن شده است، فعالیت خود را در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد، این مهم بر این علت است که ادراک در مفهومی که برای اشخاص حقوقی بیان گردید، زائل گردیده است، هر چند این انحلال می‌تواند به دلیل اهمیت رفتار مجرمانه‌ای که شخص حقوقی مرتکب گردیده هم، تلقی شود. دو عامل مذکور نشان‌دهنده این است که قوه تمییز شخص حقوقی در کشف و دنباله هدف مشروع نخستین از بین رفته است. همچنین به موجب ماده ۱۴۳ از همان قانون، بقاء و دوام شخص حقوقی جهت اعمال مسئولیت کیفری افتراقی، ارتکاب جرم در راستای منافع بیان گردیده و این به منزله فرض قانون‌گذار در این جهت است که اگر اشخاص حقوقی در مسیر مشروع خود حرکت کرده و در این جهت مرتکب جرم به نام یا در راستای منافع خود شوند، مسئولیت کیفری خواهند داشت. یعنی ادراک اعطا شده از ناحیه قانون‌گذار، می‌بایست همچنان مستمر بوده باشد تا شخص حقوقی از مجازات انحلال برخوردار نگشته و ضمن حفظ ماهیت ابتدایی خود (شخصیت حقوقی) با آنها براساس سیاست‌ها و مجازات‌های افتراقی که برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده است، رفتار شود. بر این اساس اگر جرم در جهت منافع شخص حقوقی که رکن رکین اراده جمعی در اشخاص حقوقی است^۱ اتفاق نیافتد، چون این عنصر در اهلیت جنایی زائل گردیده است؛ بنابراین مسئولیت کیفری از آن شخص حقیقی است. از همین رو ضمن بررسی قانون مجازات اسلامی و سیر تصویب، به نظر می‌رسد واژه «یا» در میان دو کلمه به نام و در راستای منافع آن در اواسط ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مبتنی بر اشتباه تاپیی بوده و مقصود قانون‌گذار واژه «واو» بوده است که این گونه بیان دارد که وجود دو شرط موصوف را همانند ماده ۷۴۷ از قانون جرایم رایانه‌ای، از جمله شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌داند. بنابراین شرط مذکور و ارتکاب جرم در راستای منافع، مبین مفهوم ادراک به عنوان عنصر حیاتی اراده در اهلیت جنایی اشخاص حقوقی است. به تعبیر دیگر قانون‌گذار با بیان این دو شرط، این گونه بیان داشته که شخص حقوقی ادراک و قوه تمییز در تشخیص منافع خود را دارد، بنابراین در این جهت می‌تواند به هر علت و انگیزه‌ای مرتکب جرم شود.

این شروط در سایر نظام‌های عدالت کیفری نظیر فرانسه، آمریکا، ژاپن و سوئد هم به چشم می‌خورد،^۲ شارحین نظام عدالت کیفری فرانسه در تحلیل رکن روانی جرم

1. Kealen, Berend F. and Erik Gritter, «Corporate Criminal Liability in the Netherlands», 3th ed, U.S.A, Business Media Publishing, 2011, p. 73.

۲. برای مثال در مواد ۳۷-۱۳۱ تا ۴۹-۱۳۱ قانون جزای فرانسه آمده است: «عملی که نماینده یا عامل شخص حقوقی به حساب شخص حقوقی یا در راستای منافع آن انجام می‌دهد...».

در خصوص اشخاص حقوقی معتقدند؛ وجود همین خصوصیت یعنی ارتکاب جرم به حساب شخص حقوقی و در جهت منافع آن تشکیل دهنده رکن روانی در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. همچنین در نظام حقوقی ژاپن معروف به (ریو باتسو - کایتی) به عنوان یک کشور صنعتی در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ارتکاب جرم در راستای منافع شخصی حقوقی از ضروریات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دانسته شده است.^۱ همچنین پیش شرط مذکور در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوق انگلستان هم به چشم می خورد.^۲ از همین رو برخی حقوق دانان معتقد به این نظر هستند که موجودیت و اهلیت جنایی اشخاص حقوقی جز به اندازه‌ایی که موجودیت و اهلیت یاد شده مستلزم انجام اقدامات ضروری ویژه آنهاست، برقرار نمی باشد.^۳ معنی استدلال این است که اگر قانون گذار برای شخص حقوقی قائل به ادراک گردیده است، این ادراک، محدود به اهدافی است که می بایست شخص حقوقی در راستای تحقق آنها ایجاد شده باشد. بنابراین معقول نیست که دامنه این ادراک، برای ارتکاب جرایم گسترش یابد.^۴ پس از مرحله ادراک، نوبت به مرحله تدبیر یا اندیشیدن می رسد، در ذهن هر شخص عاقلی، تصورات مختلفی ترسیم می شود که به دنبال هم، به خاطر او می آید و هر یک با دلایل و جهاتی همراه است. این دلایل را نباید با اراده اشتباه گرفت. هر دلیل، موضوعی خارج از اراده است که پیش از آن به ذهن می رسد و تنها اثری که دارد، تصویر قدرت سنجش شخص و نمایش آثار حقوقی اقدامی است که می تواند در آینده انجام شود.^۵ در مرحله تدبیر، شخص به ارزیابی کار خود می پردازد و دواعی گوناگون را با هم مقایسه می کند تا سرانجام یکی را مهم تر و قاطع تر می یابد و برای رسیدن به آن هدف، راضی به اقدام می شود.^۶ سنجش سود و زیان کارها و اندیشیدن درباره نتایج اقتصادی و اخلاقی آنها، مقدمه گزینش نهایی داعی برتر یا هدفی است که سرانجام شخص را منصرف یا راضی به انجام رفتاری می کند. در هر شکل، توانایی سنجش برآیند منافع ناشی از ارتکاب جرم و نیز مضار احتمالی و آتی به اعتبار تحمل مجازات، مرحله اساسی در تکوین فعل ارادی است؛ به گونه‌ای که ایراد خدشه بر مؤلفه تدبیر - در نتیجه عوامل مؤثر درونی یا بیرونی - سبب حدوث موانع تحقق مسئولیت کیفری می شود و

۱. ر.ک. بخش ۲-۷ قانون ضد انحصار در کشور ژاپن، به نقل از: کیوتو، ان، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در ژاپن»، ترجمه اسماعیل عبداللہی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۴.

۲. شریفی، محسن؛ و دیگران، منبع پیشین، ص. ۶۷.

۳. رزق، فؤاد، الأحكام الجزائية العامة، النشر الخامس، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقية، ۱۹۹۸ م، ص. ۱۵۲.

۴. الهمشری، محمود عثمان، المسؤولية الجنائية عن الفعل الغير الطبعه الأولى، بیروت، دارالفکر، ۱۹۶۵ م، ص. ۳۹۵.

۵. موسوی مجاب، سید درید، منبع پیشین، ص. ۱۲۲.

۶. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، ص. ۲۱۴.

مراحل بعدی در مسیر تکوین فعل ارادی را با چالش اساسی روبرو می‌سازد. این مهم در اشخاص حقوقی در قالب ارتکاب جرم به نام شخص حقوقی متبلور می‌گردد، زیرا فرض بر آن است که هر رفتاری که از نام اشخاص حقوقی خارج باشد، آن رفتار مورد تدبیر شخص حقوقی قرار نگرفته است.^۱ و در جهت مخالف فرض بر این است که رفتارهایی که به نام اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابند، از تدبیر آنها گذر نموده است، مگر آنکه مراتب خارج از حیطه وظایف تفویضی بوده باشد. بر همین مبنا اگر اثبات شود رفتاری به نام شخص حقوقی نبوده یا آن رفتار مورد تنفیذ شخص حقوقی قرار نگرفته است، مسئولیت کیفری متوجه شخص حقوقی نخواهد بود. زیرا مؤلفه تدبیر در این زمینه وجود ندارد. این شرط نیز در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی همانند عموم نظام‌های عدالت کیفری جهان پیش‌بینی شده است.

بنابراین باید بیان نمود: اگر رفتاری مورد تنفیذ شخص حقوقی در قالب ارتکاب جرم به نام وی صورت نگرفته باشد، اراده تنها در حد نیت مجرد باقی مانده و در نتیجه از چارچوب اهلیت جنایی نیز خارج می‌گردد. در مجموع ملاحظه گردید که تکوین رفتار ارادی، مستلزم وجود مؤلفه‌های اساسی چند است. در اینجا است که باید گفت: ایراد خلل به هر مرحله از مراحل یاد شده، رفتار ارادی را از معنای واقعی خویش دور می‌سازد. در ادامه نوبت به تحلیل دیگر عنصر اهلیت جنایی یعنی آگاهی می‌باشد که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲-۱. تحلیل مفهوم آگاهی^۲ در اشخاص حقوقی

مؤلفه دوم اهلیت جنایی، توانایی شخص بر فهم ماهیت رفتار خویش و ارزیابی نتایج مترتب بر آن است.^۳ این توانایی، باید بر نفس عمل ارتكابی و ارزیابی نتایج طبیعی آن تعلق یابد.^۴ در نظام‌های مختلف عدالت کیفری و بر اساس معیارهای متفاوت حقوقی، بهره‌مندی از نیروی آگاهی برای مسئول دانستن فرد در پیشگاه قانون امری کاملاً ضروری انگاشته شده است.^۵ بنابراین هر شخصی که نسبت به ماهیت افعال و نتایج آن آگاه است، از مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها نیز آگاه است؛ به هر شکل، مسئولیت کیفری بر همین اساس، توجیه می‌شود. در هر شکل، آگاهی عبارت است از حالت ذهنی مشخصی که در آن، وظیفه طبیعی برای قوای عقلی شکل می‌پذیرد؛

1. Heart, H.L.A, «Responsibility and Retribution», in: Punishment and Responsibility, Essays in the Philosophy of Law, New York, Oxford University Press, 2008, p. 645.
2. Awareness

۳. کمال الدین، امام محمد، منبع پیشین، ص. ۲۰۹.

۴. عوض، عوض محمد، منبع پیشین، ص. ۳۹.

۵. همان، ص. ۴۳۹.

به‌گونه‌ای که آشکار می‌شود این نیروها به شکل صحیحی عمل می‌کنند. در اصطلاح حقوقی نیز آگاهی عبارت است از وضعیت ذهنی سالمی که در نتیجه عملکرد قوای عقلی سالم، شخص را نسبت به شناخت از خود و همچنین محیط پیرامون به شکلی موافق با واقعیت‌های قانونی - قادر می‌سازد.^۱ تحلیل مفهوم آگاهی در رابطه با اشخاص حقوقی بر اساس آنچه از معنی آگاهی بیان شد، کمی پیچیده جلوه می‌نماید، زیرا از یک سو اشخاص حقوقی بر خلاف اشخاص حقیقی مقاطع مختلفی از زندگی را پشت سر نمی‌نهند که بگوییم مراحل فهم واقعی در آنها به شکل آگاهی یافتن تکوین می‌یابد و از سوی دیگر سلول‌های مغزی به معنای مادی در اشخاص حقوقی وجود ندارد. با این حال، آنچه از اندک پژوهش‌های موجود در این حوزه به دست می‌آید آن است که آگاهی در رابطه با اشخاص حقوقی به نحوه عملکرد رکن اصلی کارکرد شخص حقوقی که همان مدیر یا نماینده قانونی وی است باز می‌گردد.^۲ در جهت تحلیل مناسب‌تر موضوع و تهافت آن با عنصر پیش‌تر بیان شده یعنی «تدبر» و تنفیذ، باید این طور بیان داشت که شخصیت حقوقی همان طور که گفته شد از اجتماع گروه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌هایی است که بر اساس حقوق کیفری و تکالیف مشترک بر حسب مقررات قانون تشکیل شده‌اند - این نهاد در پی اهدافی است که آن اهداف موجبات تشکیل آن را ایجاد نموده است.^۳ بر این اساس شخصیت حقوقی پس از ایجاد، در جهت پیشبرد اهداف خویش، مسئولیت انجام کار را در دست هیأتی تحت عنوان هیأت مدیره یا نماینده قانونی که می‌تواند مدیر عامل یا جانشین وی باشد می‌سپرد. شخص یا اشخاص مذکور می‌بایست در چارچوب اهداف شرکت و اختیارات تفویض شده گام برداشته و تصمیمات خود را بر آن اساس استوار سازند،^۴ زیرا آگاهی شخصیت حقوقی در آغاز تشکیل و وظایف سپرده شده به عضو یا اعضای تشکیل دهنده که همانا به مفهوم شناخت از خود و محیط پیرامون تلقی می‌شود و از آن می‌توان به مفهوم «آگاهی» یاد نمود، دایره مدار همان وظایف تفویض شده است. حال اگر نماینده قانونی یا مدیر شخص حقوقی از این چارچوب و وظایف تفویض شده تخطی نموده و مرتکب رفتار مجرمانه گردد، چون شخص حقوقی آگاهی لازم به مفهوم درک صحیح از ماهیت نتایج رفتار ارتكابی مدیر متخلف را نداشته است، مسئولیت کیفری متوجه شخص حقیقی است نه شخص حقوقی. زیرا آگاهی شخص حقوقی در دایره وظایف سپرده شده به نماینده خود

۱. عوجی، مصطفی، القانون الجنایی العام، الجزء الثاني، الطبعة الأولى، بیروت، مؤسسه نوفل، ۱۹۸۵ م، ص. ۵۰.

2. Tadros, Victor, Criminal Responsibility, London, Oxford University, 2005, p. 384.

۳. اسکینی، ربیعا، منبع پیشین، ص. ۴۹.

۴. قناد، فاطمه؛ و دیگران، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره

۹۱، ۱۳۹۴، ص. ۴۱.

و مسائلی پیرامون آن وظایف از پیش سپرده شده، خلاصه می‌گردد. پس در مفهوم تدبیر لازم است لاجرم جرم به نام شخص حقوقی بوده باشد ولی در مفهوم آگاهی مسأله از دیدگاه موسع‌تر به موضوع می‌نگرد و آن این مطلب است که علاوه بر آنکه باید جرم به نام شخص حقوقی نیز بوده باشد، شرط دیگر آن است که جرم در راستای محدوده وظایف نماینده شخص حقوقی هم صورت پذیرفته باشد. برای مثال اگر شهردار به‌عنوان مدیر شخص حقوقی (نهاد شهرداری) دستور احداث بنایی را به نام شهرداری در زمین‌های متعلق به غیر در حالی صادر نماید که این امر در حیطة وظایف و اختیارات وی نبوده یا اینکه اصولاً این دستور از چارچوب مسئولیت ایشان بدون رعایت تشریفات خارج بوده است، هر چند ممکن است رفتار مذکور به نام شخص حقوقی بوده و از مرحله تدبیر هم گذر کرده باشد، اما از مرحله دیگر یعنی آگاهی شخص حقوقی و نه آگاهی مدیر یا نماینده حقوقی دستوردهنده برخوردار نیست و شخص شهردار به‌عنوان شخص حقیقی با جمیع شرایط می‌تواند تحت عنوان تصرف عدوانی تحت تعقیب قرار گیرد. این مؤلفه مهم در نظام عدالت کیفری ایران به فراموشی سپرده شده و به‌طور دقیق توسط قانون‌گذار مورد تحلیل قرار نگرفته است، هر چند در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی علم مرتکب به موضوع جرم شرط تحقق مسئولیت کیفری است، اما به‌رغم اطلاق این ماده باید پذیرفت جایگاه و خواستگاه صحیح این شرط در رابطه با اشخاص حقیقی است، زیرا در غیر این صورت قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از اشخاص حقیقی را متمایز نمی‌ساخت. با این حال بر اساس مؤلفه‌های بنیادین حقوق کیفری، فقدان وصف آگاهی سبب عدم تشکیل اهلیت جزایی می‌گردد. این مهم در نظام عدالت کیفری فرانسه به درستی مورد تحلیل قرار گرفته است، به‌موجب ماده ۳۹ - ۱۳۱ قانون جزای فرانسه در مورد اشخاص حقوقی اگر عامل یا نماینده‌ای که از حدود اختیارات خود تجاوز نموده باشد، شخص حقوقی مسئولیت کیفری ندارد و مسئولیت متوجه شخص حقیقی است. زیرا در این فرض شخص حقوقی نه تنها مسئول نیست، بلکه به نوعی بزه‌دیده از جرم هم محسوب می‌شود. بر این اساس حتی اگر جرم در راستای منافع شخص حقوقی و به نام وی بوده باشد ولی خارج از آگاهی وی بر اساس آنچه پیش‌تر بیان شد باشد، باز هم مسئولیت کیفری متوجه شخص حقوقی نخواهد بود. در هر صورت ابهام‌های مذکور در قانون مجازات اسلامی در رابطه با اهلیت جنایی اشخاص حقوقی از نکاتی است که می‌بایست بر اساس آنچه در مقاله حاضر تحلیل گردید، توسط قانون‌گذار اصلاح و تکمیل گردد.

نتیجه‌گیری

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از جمله موضوعات پرمناقشه در همه نظام‌های حقوقی بوده است. در گذشته، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اکثر نظام‌های عدالت کیفری در کشورهای مختلف، پیش‌بینی نشده بود. از این رو قانون‌گذاران در انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی دچار تردید بودند. در ابتدای ربع آخر قرن بیستم، این مسأله به صورت نظریه‌های مختلف، تنها در محافل علمی جایگاه خود را پیدا کرده بود. تا اینکه پس از آن به موجب ضرورت‌های اجتماعی و ایجاد تحول در بنیان‌های نظری حقوق کیفری، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان فصل جدیدی در کنار دیگر تأسیسات حقوقی وارد متون قانونی کشورها شد. آن دسته از نظام‌هایی که در تکاپوی پذیرش این مسئولیت به سر می‌برند، ناگزیرند پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای در برابر شبهات مطروح از سوی مخالفان در خصوص چگونگی انتساب جرم به اشخاص حقوقی داشته باشند. از جمله این موارد، چگونگی تحلیل اهلیت جنایی در اشخاص حقوقی است، زیرا در ادبیات جنایی امروز پذیرفته شده است که علاوه بر علم و معرفت نسبت به موضوع و حکم، تعلق اراده به تحقق عینی و خارجی اندیشه مخالف قانون (رفتار و تحقق نتیجه مجرمانه) نیز شرط تکوین قصد جنایی است. اساساً اهلیت جنایی که به مجموع عوامل روانی لازم برای امکان انتساب رفتار مجرمانه به فاعل اطلاق می‌شود، جز بر پایه دو رکن آگاهی و اراده استوار نمی‌شود. اهلیت جنایی، خود نیز، پیش‌شرط مسئولیت کیفری، یعنی التزام شخص به تحمل نتایج مجرمانه است. از این رو، بدون احراز اهلیت جنایی، تحقق مسئولیت کیفری میسر نخواهد بود. بر این اساس با اثبات اینکه ذهن و روان و قوه عاقله سازمان‌ها و اشخاص حقوقی با ذهن و قوه عاقله در اشخاص حقیقی بسیار متفاوت است، باید قائل به تفاوت معیارهای انتساب جرم به اشخاص حقوقی در مقابل اشخاص حقیقی بود. بنابراین حقوق کیفری نمی‌تواند با همان معیار احراز مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را توجیه کند. از آنجا که اشخاص حقوقی به عنوان قدرت‌های مدرن امروزی، بسیاری از وسایل و منابعی که برای جامعه ایجاد خطر می‌کند را در اختیار دارند و از این حیث، صدمات گسترده‌ای به منافع جامعه وارد می‌سازند، می‌بایست مسئولیت کیفری آنان نیز بر پایه معیاری متمایز و در عین حال موسع‌تر از معیار مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، بنیان گذاشته شود. همچنین از آنجا که جرم‌انگاری بدون توجه به مؤلفه‌های حقوق کیفری علی‌الخصوص در موضوع بحث یعنی اهلیت جنایی، تزلزل ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به دنبال خواهد داشت، توجیه‌های

منطقی و اصولی و تفسیر دقیق از اهلیت جنایی و ارکان آن در اشخاص حقوقی از ضروریات حقوق کیفری به شمار می‌رود. بر همین اساس در مقاله حاضر با تحلیل عناصر اهلیت جنایی به عنوان پیش شرط مسئولیت کیفری و لزوم پذیرش این مهم برای مسئول دانستن اشخاص حقوقی، مشخص شد که ارکان این مهم (اهلیت جنایی) به طور خلاصه به نحو داده‌های ذیل تحلیل می‌گردند. اراده به عنوان یک مؤلفه اساسی در اهلیت جنایی، به فعل و انفعال ذهنی اطلاق می‌گردد که در اشخاص حقوقی در غالب تفکر و اراده جمعی به جایگزینی اراده فردی توجیه می‌شود. این امر سبب آن می‌شود که شخص حقوقی اراده‌ای مستقل از اراده اعضای حقیقی تشکیل‌دهنده‌اش را دارا باشد. همچنین ادراک به عنوان مؤلفه دوم در اهلیت جنایی، به مفهوم توانایی خاص در شخص است که به تشخیص ماهیت رفتار ارتكابی و تحمل تبعات جزایی و آثار اجتماعی کمک می‌نماید. این مؤلفه در رابطه با اشخاص حقوقی، به مفهوم حرکت در مسیر صحیح و منافع شخصی شخص حقوقی است. در نهایت آگاهی نیز به عنوان مؤلفه نهایی اهلیت جنایی در اشخاص حقیقی، به توانایی شخص بر فهم ماهیت رفتار خویش و ارزیابی نتایج مترتب بر آن رفتار اطلاق می‌گردد، این مهم در رابطه با اشخاص حقوقی، به نحوه عملکرد رکن اصلی کارکرد شخص حقوقی که همان مدیر یا نماینده قانونی وی است، تحلیل می‌گردد.

منابع

- آقای جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد دوم، چاپ سوم، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی و هشتم، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنارد، حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- ثروت، جلال، نظریه الجرمه المتعدیه القصد، النشر الثالث، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۵ م.
- جهامی، جیرار، موسوعه مصطلحات ابن سینا (شیخ رئیس)، الطبعة الأولى، لبنان، مکتبه لبنان ناشرون، ۲۰۰۴ م.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر، اندیشه‌های حقوقی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۱.
- حسنی، محمدحسن، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- حسنی، محمود نجیب، النظریه العامه للقصد الجنایی، النشر الرابع، القاهرة، دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۴ م.
- حسین جانی، بهمن؛ مظاهری تهرانی، مسعود، اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- رزق، فؤاد، الأحكام الجزائیه العامه، النشر الخامس، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۱۹۹۸ م.
- روح الامینی، محمود، «دگرگونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه»، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.
- رولان، نوربر، «انتقام‌جویی و تحول آن از دیدگاه انسان‌شناسی حقوقی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، فصل‌نامه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲، ۱۳۸۰.
- الزلمی، مصطفی ابراهیم، المسؤولیته الجنائیه فی الشریعه الاسلامیه، النشر الاول، بغداد، مطبعه الأسد، ۱۹۸۱ م.

- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۱، چاپ بیست و یکم، نشر دادگستر، ۱۳۹۱.
- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ اصطلاحات فلسفی، کلامی، منطقی، چاپ اول، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۶۱.
- شریفی، محسن؛ و دیگران، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، ۱۳۹۲.
- _____، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶، ۱۳۹۲.
- صناعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
- صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ اول، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۰.
- عبداللهی، اسماعیل، درس‌هایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، چاپ اول، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
- عوجی، مصطفی، القانون الجنایی العام، الجزء الثانی، الطبعة الأولى، بیروت، مؤسسه نوفل، ۱۹۸۵ م.
- عوض، عوض محمد، قانون العقوبات (القسم العام)، النشر الثانی، اسکندریه، دارالمطبوعات الجامعیه، ۱۹۹۳ م.
- فرج‌اللهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
- قناد، فاطمه؛ و دیگران، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۱، ۱۳۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۶، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶.
- کمال‌الدین، امام محمد، المسؤولية الجنائیة: أساسها و تطورها، الطبعة الثانیة، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۹۹۱ م.
- کندی، یعقوب، رسائل، جلد ۱، النشر الاوّل، مؤسسه البلاغ، قاهره، ۱۳۶۹ ق.
- کیوتو، ان، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ژاپن»، ترجمه اسماعیل عبداللهی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، مجموع نشست‌های قضایی، مسائل قانون مجازات اسلامی، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ هفتم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.

- موسوی مجاب، سید درید، نقش اراده در مسئولیت کیفری با رویکردی به نظام حقوقی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۸.
- میرسعیدی، سیدمنصور، مسئولیت کیفری، قلمرو و ارکان، جلد اول، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، چاپ سوم، نشر نی، ۱۳۸۳.
- الهمشری، محمود عثمان، المسؤولیتة الجنائیه عن الفعل الغير، الطبعه الأولى، بیروت، دارالفکر، ۱۹۶۵ م.

- Ba'albaki, Munir; Ba'albaki, Rohi, «AL-Mawrid Dictionary, Lebanon, Dar E-1-Ilm, Lilmalayix, 1999.
- Black, Henry Campbell; Black's Law Dictionary, U.S.A, West Publishing CO., 2005.
- Gardner, Thomas; Anderson, J., Terry, M., Criminal Law, New York, Wadsworth, 2009.
- Heart, H.L.A, «Responsibility and Retribution», in: Punishment and Responsibility, Essays in the Philosophy of Law, New York, Oxford University Press, 2008.
- Johnson, Conrad, Philosophy of Law, New York, McMillan Publishing Company, 2009.
- Kealen, Berend; Gritter, Erik, Corporate Criminal Liability in the Netherlands, Springer Science & Business Media, 2011.
- Pradel, Jean, Droit Pena'l General, Paris, Cujas, 2006-2007.
- Tadros, Victor, Criminal Responsibility, London, Oxford University, 2005.
- Wells, Celia, Corporation and Criminal Liability, Oxford University, 2001.
- _____, Corporate Criminal Liability in England and Wales: Past, Present and Future, Springer Science & Business Media, 2011.